

"انسان" و رویونیسم حزب کمونیست کارگری

"اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است" (منصور حکمت - نشریه انترناسیونال شماره 92 ضمیمه)

در این نقل قول آقای حکمت "انسان" به مفهوم عام، انسان انتزاعی را در نظر دارد. از نظر ایشان در جامعه سوسیالیستی اختیار به همه انسانها به یک نوع باز گردانده می شود. آیا سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان به طور عام است یا جنبش باز گرداندن اختیار به یک طبقه معین، یعنی پرولتاریا؟

مارکس در ادای سهمی به نقد فلسفه حقوق هگل می گوید: "انسان موجودی انتزاعی نیست که بیرون از این جهان خیمه زده باشد. انسان، جهان انسان، دولت و جامعه است."

به این ترتیب انسان در جامعه ای که دولت در آن حکم فرماست، یا تحت حاکمیت است، محکوم است و یا در حاکمیت است، حاکم است. به این ترتیب در جامعه سوسیالیستی، انسان تحت حاکمیت - بورژوازی - با انسان در حاکمیت یعنی پرولتاریا دارای حقوق برابر نیستند که ما بتوانیم از اختیار دادن به "انسان" در مفهوم عام آن صحبت کنیم. پرولتاریا بورژوازی را سرنگون می سازد و توسط دولت خود یعنی دیکتاتوری پرولتاریا تمام اختیاراتش را از او سلب می کند. هنوز در جامعه سوسیالیستی زندان و دادگاه برای افرادی که علیه نظام سوسیالیستی دست به توطئه می زنند وجود دارد. پرولتاریا سعی در نابودی طبقه بورژوازی دارد. در طول این پروسه که زوال پرولتاریا نیز تضمین می گردد، صحبت از حقوق مساوی و انسان به طور عام، چیزی جز آشتی طبقاتی، یعنی رویونیسم نیست.

حال بد نیست ببینیم لنین چه می گوید: "دولت محصول و مظهر آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی است. دولت در آنجا، در آن موقع و به این دلیل که تضادهای طبقاتی به طور عینی نمی توانند آشتی پذیر باشند، پدید می آید، و بر عکس وجود دولت ثابت می کند تضادهای طبقاتی آشتی ناپذیرند." (دولت و انقلاب 461)

لنین به روشنی می گوید: در جایی که دولت وجود دارد نمی توان از "انسان" و یا انسان بی طرف صحبت کرد. در این شرایط باید از انسان های طبقاتی که به طور آشتی ناپذیر در مقابل هم صف کشیده اند صحبت کرد. بورژوازی می خواهد پرولتاریا را از قدرت به زیر بکشد و پرولتاریا می خواهد با اعمال دیکتاتوری طبقه اش و در پروسه ای طولانی بورژوازی و خودش را از صحنه گیتی بزدايد و جامعه بدون طبقه را بنا نهد.

پرولتاریا تمام اختیارات بورژوازی را از او سلب می کند. و منصور حکمت می خواهد تمام اختیارات را هم سطح اختیارات پرولتاریا به او برگرداند. مخدوش کردن این مرز و گفتن "سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است" از هم اکنون تیره کردن و مخدوش نمودن آن دورنمایی است که پرولتاریا برایش می رزمند. این جاست که دم خروس بورژوازی از زیر عیای منصور حکمت بیرون می آید.

لنین و مائوتسه دون در جریان پیشرفت سوسیالیسم بارها خاطر نشان کرده اند که هنوز در جامعه سوسیالیستی مسئله حاکمیت کی بر کی حل شده و مبارزه طبقاتی ادامه می یابد. به این جهت پرولتاریا در سوسیالیسم چاره ای ندارد جز این که روز افزون بورژوازی را چه از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و چه از نظر ایده نولوژیک خلع سلاح کند و محیط را بر او تنگ نموده و اختیاراتش را سلب نماید.

در برنامه حزب کمونیست کارگری همانند برنامه اکثر قریب به اتفاق سازمان های کمونیستی از دیکتاتوری پرولتاریا هم صحبت شده است البته با یک فرق:

"انقلاب کارگری باید دولت بورژوازی را به زیر بکشد. مقاومت بورژوازی در برابر انقلاب و بویژه در مقابل اشتراکی شدن وسائل تولید، حتی پس از در هم شکسته شدن قدرت دولتی اش ادامه خواهد یافت. از اینرو تشکیل یک حکومت کارگری که این مقاومت را خنثی کند و فرمان انقلاب را به اجرا در بیاورد، امری حیاتی است. حکومت کارگری نیز، نظیر هر حکومت دیگر، حکومتی مافوق جامعه و طبقات نیست. حکومتی طبقاتی است. اما این حکومت، که به همین اعتبار در تئوری مارکسیسم دیکتاتوری پرولتاریا نامیده شده است، دولت اکثریت استثمار شده جامعه برای دیکته کردن حکم آزادی و برابری انسان ها به طبقات استثمارگر و فائق آمدن بر تلاش ها و توطئه های آنهاست." (برنامه حزب کمونیست کارگری - بخش انقلاب پرولتری و حکومت کارگری)

تمام فرمول بندی فوق فرمول های مرسوم در جنبش کمونیستی کارگری است و چیز نوینی ندارد. بجز یک استثناء. آن چیز نوین عبارت است از آن جمله ای که ما زیرش را خط کشیده ایم.

به نظر می رسد دیکتاتوری پرولتاریا برای دیکته کردن حکم آزادی و برابری انسان ها به بورژوازی جهت پذیرش حقوق برابر با پرولتاریا نیست. اعمال فشار بر اوست. وسیله نابودی اوست. در جمله خط کشیده شده حتی حرفی از عناصر خلع سلاح شده بورژوازی در میان نیست بلکه از طبقات استثمارگر صحبت در میان است. یعنی حزب کمونیست کارگری اگر فردا قدرت را به دست گرفت با دولتش می خواهد به طبقه بورژوازی دیکته کند که تو هم حزب ات را تشکیل بده و شورای خودت را درست کن. تو با من حقوق مساوی داری.

این است محتوای رویزونیستی نظریات حزب کمونیست کارگری در باره سوسیالیسم و ساختمان آن: فراهم نمودن شرایط برای صعود بورژوازی به قدرت بعد از سقوط اش از قدرت توسط پرولتاریا!!

کاویان